

پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله سید محمد حسین قزوینی



کد مطلب: ۵۳۷۸

تاریخ انتشار: ۰۸ مرداد ۱۳۹۱

تعداد بازدید: 3591

سخنرانی ها « شبکه ولایت

فضائل حضرت خدیجه سلام الله علیها

حبل المتین 91/05/08

0:00:00 / 1:40:51

لینک دانلود

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 91 / 05 / 08

مجری

رحلت جانسوز ام المؤمنین و ام الائمة حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را به پیشگاه امام زمان علیه السلام و همه دلسوختگان و پیروان اهل بیت علیهم السلام تسلیت عرض می‌نماییم. جایگاه حضرت خدیجه در مکتب وحی چگونه بوده است؟

استاد قزوینی

من هم به نوبه خودم رحلت جانسوز ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری را به پیشگاه مقدس فرزند بزرگوارش بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه و همه مسلمانان تسلیت عرض می‌کنم. خدا را به آبروی این بانوی بزرگ و اولین ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری سوگند می‌دهم که پاداش ما را فرج مولایمان بقیه الله الاعظم قرار بدهد. با این‌که خدیجه کبری اولین ام المؤمنین ، بزرگ حامی رسالت و اولین زنی است که به رسول اکرم ایمان آورد و تمام آنچه که در توان داشت در طبق اخلاص گذاشت و تقدیم نبی مکرم کرد و با حمایت مالی و جانی خودش از اسلام حمایت‌های بی‌دریغ کردند؛ ولی متأسفانه قدر این بانو در میان ما نا شناخته است و مظلوم است و به جای آن دیگران به عنوان ام المؤمنین مطرح شده‌اند. با این‌که نبی گرامی در طول 25 سالی که با خدیجه کبری زندگی می‌کرد، همسر دیگری انتخاب نکرد و چشمش به کم‌ها و محبت‌ها و ملاطفت‌های این بانوی دو جهان دوخته بود.

در میان اهل سنت (باید اجازه بدهند عزیزان که ما این گلایه را داشته باشیم) به آن گونه‌ای که زبینه این بانو است درباره ایشان سخن نمی‌گویند. از وهابی‌ها که ما نتظاری نداریم. در میان ما شیعیان (باید شدیداً گلایه کنیم) حق این بانو به آن گونه‌ای که زبینه و شایسته است، ادا نشده است.

ما هم بدون تعارف و با عذر تقصیر به پیشگاه مقدسه‌اش فقط هر سالی یک بار به مناسبت رحلت آن بزرگوار از او سخن می‌گوییم، ولی آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید. **ما لا یدرک کله لا یتدرک کله.**

در منابع اهل سنت روایاتی داریم که واقعاً جایگاه این بزرگوار را در مکتب وحی نشان می‌دهد. جناب مسلم در کتاب صحیح خود روایات متعددی در رابطه با حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها مطرح کرده است. در یکی از این‌ها از ابو هریره نقل شده است که جبرئیل خدمت نبی مکرم در غار حراء نازل شد، فرمود:

يا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِتَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ وَمَنَى وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ.

صحیح مسلم، ج 4، ص 1887

حضرت خدیجه نزد تو می‌آید و ظرفی که در آن غذا و آب و خورشیدی است برای تو می‌آورد، وقتی خدیجه کبری نزد تو آمد، یا رسول الله از طرف خدا به او سلام برسان و از طرف من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم در بهشت قصری برای او در نظر گرفته است که از تارهای طلا ساخته شده است و هیچ گونه لرزش و سر و صدایی و مشقتی در آنجا نیست.

این روایت نشان می‌دهد که جایگاه حضرت خدیجه در چه مرحله است.

آقایان می‌گویند: برائت عائشه از طرف خدای عالم نازل شد، (ما نمی‌خواهیم در این زمینه وارد شویم) ولی یک اتهامی به عائشه زده بودند، اگر قبول کنیم که این آیه افک در رابطه با عائشه است؛ چون بعضی از بزرگان بر این عقیده هستند که در رابطه با ماریه قبطیه مادر ابراهیم است.

خدای عالم به احترام نبی مکرم این افتراء را بر طرف کرد؛ ولی درباره حضرت خدیجه تفاوت از زمین تا آسمان است.

می‌گوید: خدای عالم به تو سلام می‌رساند و جبرئیل می‌گوید: از قول من هم به او سلام برسان و بشارت یک قصری از بهشت را به او بده.

ما یک سؤالی داریم از آقایان، که با این همه سر و صدا در باره عشره مبشره، چرا حضرت خدیجه حضور ندارد؟

با این‌که ما معتقد هستیم این روایت جعلی است و سندی ندارد و در عصر بنی امیه، شجره ملعونه در قرآن روی بعضی از اغراض، ساخته شده است و خود این روایت توهین به صحابه است که ما بیاییم بگوییم از این 120 هزار صحابه فقط ده نفرشان به بهشت بشارت داده شده‌اند پس ما بقی چه می‌شود آیا بشارت داده شده‌اند یا نه؟

اگر ما بقی هم بشارت داده شده‌اند؛ همان طوری که آقایان معتقد هستند، همه صحابه در بهشت

هستند؛ پس این عشره مبشره چه فضیلتی دارد؟

اگر غیر از این ده نفر به دیگران بشارت بهشت داده نشده است، این توهین به صحابه است. در اینجا این عبارت صحیح مسلم است و سندی هم نمی‌خواهد و با تمام صراحت در این روایت بشارت بهشت به حضرت خدیجه سلام الله علیها داده می‌شود و این روایت را جناب بخاری در صحیح خود جلد 3 صفحه 1389 حدیث 3609 بر مبنای الجامع الکبیر آورده است. روایتی را آقای ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابة نقل می‌کند و می‌گوید: حضرت خدیجه سلام الله علیها از خانه بیرون آمد و پیغمبر بیرون مکه بود و از ترس قریش بعضی از روزها می‌رفتند در کوه‌ها آنجا مخفی می‌شدند.

خدیجه کبری بلند شد:

ومعها غذاؤه فلقیها جبریل فی صورة رجل فسألها عن النبی صلی الله علیه وسلم فهابته وخشیت أن یكون بعض من یرید أن یقتاله.

الإصابة فی تمييز الصحابة، ج7، ص604

غذایی برای حضرت رسول اکرم پخته بود داشت می‌رفت، جبرئیل را دید به صورت یک مرد، این مرد از خدیجه سؤال کرد پیغمبر کجاست؟ خدیجه را ترس فرا گرفت و ترسید که این مرد جزء همان‌هایی است که می‌خواهد پیغمبر را ترور کند و پیغمبر را نابود کند، چیزی نگفت و آن مرد رفت.

حضرت خدیجه سلام الله علیها که در بعضی از جاها غذایی برای خودش و برای رسول اکرم تهیه می‌کرد و مشک و کوزه آبی از سنگلاخ‌ها و کوه‌های پر از سنگ می‌رفت و صدا می‌زد حبیبی محمد، بعد از مدت‌ها گشتن نبی مکرم را پیدا کرد و قضیه را گفت که من مردی را دیدم ترسیدم.

حضرت فرمود: خدیجه آن مردی که دیدی جبرئیل بود و فرمود:

وقد أمرني أن أقرأ عليك السلام وبشرها بیت فی الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب.

الإصابة فی تمييز الصحابة، ج7، ص604

به من گفت که به تو سلام برسانم و به من گفت که به تو بشارت بدهم بر قصر و خانه در بهشت برای شما.

جناب احمد بن حنبل در مسند خود از ابن عباس نقل می‌کند که یک روزی رسول اکرم صلی اله علیه وآله با صحابه نشستند، با دست مبارکش چهار خط کشیدند و فرمودند:

أَتَدْرُونَ مَا هَذَا قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَقَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَجْمَعِينَ.

مسند أحمد بن حنبل، ج1، ص316

می‌دانید این چهار خطی که کشیدم چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند.

پیغمبر اکرم فرمود: با فضیلت‌ترین زنان بهشت چهار تا هستند: حضرت خدیجه و حضرت زهرا و حضرت آسیه و حضرت مریم سلام الله علیهن اجمعین.

حاکم نیشابوری هم در کتاب مستدرک در جلد 3 صفحه 174 نقل می‌کند که این روایت صحیح الاسناد است؛ ولی بخاری و مسلم این را نقل نکرده‌اند.

آقای هیثمی که از استوانه‌های علمی و رجالی اهل سنت است، در کتاب مجمع الزوائد این روایت

را نقل مي‌کند و مي‌گويد: طبراني و ديگران نقل مي‌کرده‌اند:

ورجال الكبير رجال الصحيح غير محمد بن مروان الذهلي وثقه ابن حبان.

مجمع الزوائد، ج 9، ص 201

راويان معجم كبير طبراني راوياني صحيح هستند غير از محمد بن مروان ذهلي كه ابن حبان او را

توثيق کرده است.

جناب ابن عبد البر در الاستيعاب و جناب ذهبي متوفاي 748 در سير اعلام النبلاء اين روايت را نقل

مي‌کند و محقق سير اعلام النبلاء در پاورقي مي‌گويد:

رجاله ثقات.

روايت باز از ابو هريره است كه مي‌گويد: پيغمبر اكرم فرمود:

خير نساء العالمين أربع مريم بنت عمران وابنة مزاحم امرأة فرعون وخديجة بنت خويلد وفاطمة بنت

محمد صلى الله عليه وسلم.

الاستيعاب، ج 4، ص 1821

بهترين زنان جهانيان چهار نفر هستند: حضرت مريم و خديجه و حضرت زهرا سلام الله عليها و

همسر فرعون.

باز از انس بن مالك خادم پيغمبر او هم نقل مي‌کند كه پيغمبر فرمود:

خير نساء العالمين مريم وأسية وخديجة بنت خويلد وفاطمة.

سير أعلام النبلاء، ج 2، ص 117

روايت خيلي زياد است؛ ولي من خواستم به اين دو سه مورد اشاره كنم تا اين كه شما جاگاه اين

بزرگ بانو را كاملاً بشناسيد كه از ميان همسران پيغمبر فقط نام خديجه كبري در اين روايات مي‌درخشد نه

غير خديجه.

مجري

در برخي از روايات آمده است كه از ميان زنان، فقط چهار زن به كمال رسيدند.

آيا حضرت خديجه از همان چهارتايي هستند كه شما مي‌فرماييد؟

استاد قزويني

با اين سؤال، دست روي درد دل ما گذاشتيد.

امشب شب رحلت بانوي گرامي خديجه كبري سلام الله عليها است. من هر وقت يادم مي‌آيد

مظلوميت اين بانو و فداكاري‌هاي اين بانو و دوران غربت اسلام و دوران غربت نبي مكرم و دوران مظلوميت

نبي گرامي در طول 10 سال در خدمت پيغمبر و اسلام بوده است به ويژه در آن سه سال در شعب

ابي‌طالب، اين‌ها چه كشيدند.

در آن زمان اين آقايمان و اين افرايدي كه امروز حضرات بزرگشان مي‌كنند كجا بودند كه حتي در همين

سريال‌ها آدم وقتي نگاه مي‌كند، دروغ‌ها و تحريف‌هايي تحويل مردم مي‌دهند.

خود ابن کثیر به صراحت می‌گوید: خلیفه دوم سال دهم اسلام آورد. در این سریال‌ها یک سری جعلیات و دروغ‌ها و تحریف‌ها که در سال شش ایمان آورده است و برای افراد در شعب غذا می‌آورده است.

می‌خواهند قهرمان دروغین بسازند.

حقایق را مطرح کنید.

چرا دروغ پردازی می‌کنید؟

چرا تاریخ را تحریف می‌کنید؟

این جوان‌ها و دانشجو‌ها تاریخ را خوانده‌اند و می‌دانند و از این کتاب‌ها خبر دارند.

حتی در خود سریال مختار هم ما در بعضی از قسمت‌هایش اشکال داشتیم که چه بسا بعضی از مسائل در تاریخ ثبت شده است و خلاف آن آمده است.

ما به هیچ وجه رو در بایسی از کسی نداریم؛ ولی وقتی که تاریخ صحیح در دست است و این تاریخ در اختیار همه است و زمان سابق نیست که فقط مردم به دهان من و دیگر کارشناس و دیگر آخوند و مولوی و مفتی که چه می‌گوییم، نگاه کنند.

این مردم عقل و شعور دارند و کتاب‌ها در اختیارشان است و با این سایت‌ها و ماهواره‌ها کاملاً مرتبط هستند.

اگر فرصت شود ما این سریال‌های دروغین را نقد کنیم، تاریخ را حسابی و مستدل و مستند بیان می‌کنیم تا که رسوا شود آن که در او غش باشد.

یکی از چیزهایی که واقعاً درد آور است، روایات مفصلی بزرگان نقل کردند و خود جناب شوکانی در فتح القدير می‌گوید: در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) آمده است که پیغمبر اکرم فرمود:

كَمَلُ مِنَ الرَّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَإِنْ فَضَلَ عَائِشَةُ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضَلَ الثَّرِيدُ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ.

فتح القدير، ج 5، ص 257

از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زنها جز آسیه و مریم و خدیجه کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زنها مثل فضیلت آبگوشت است نسبت به دیگر غذاها.

من نمی‌خواهم در اینجا هیچ تعریضی یا تقریضی یا حاشیه‌ای داشته باشم که نبی گرامی عائشه را به آبگوشت تشبیه می‌کند، آیا این فضیلت است یا فضیلت نیست؟ همچنین خود آلوسی سلفی می‌گوید:

وفي الصحيح كَمَلُ مِنَ الرَّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ : أَسِيَّةُ بِنْتُ مَزَاحِمِ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَضَلَ عَائِشَةُ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضَلَ الثَّرِيدُ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ وَخَصَّ الثَّرِيدُ وَهُوَ خَبْزٌ يَجْعَلُ فِي مَرَقٍ وَعَلَيْهِ لَحْمٌ.

روح المعاني، ج 28، ص 165

و در صحیح آمده است که از مردها تعداد کثیری کامل شدند و از زنها جز چهار نفر کسی کامل نشد که آسیه و مریم و خدیجه و فاطمه است.

شاید در آن زمان آبگوشت بهترین غذا بوده است.

همان طوري که خود آلوسي مي‌گويد همان آبگوشي است که در آن ترديد مي‌کنند.
 آقاي دکتر وهبه زهيلي يکي از شخصيت‌هاي برجسته مصري است و از او بعضي‌ها به امام تعبير مي‌کنند و کتابي دارد به نام تفسير وسيط که در آن اين روايت را نقل مي‌کند.
 من يک سؤالي دارم از اين کارشناسان شبکه‌هاي وهابي براي ما بگويند: در صحيح بخاري و مسلم چرا اين روايت تحريف شده است و وارونه نشان داده شده است و چه عداوتي با حضرت خديجه و حضرت زهرا داشته‌اند؟

اين صحيح بخاري و تحريف آن که مي‌گويد:

رسول اللّٰه صلى الله عليه وسلم كَمَلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرًا وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةَ امْرَأَةٍ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَنَ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَهَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ.

صحيح البخاري، ج 3، ص 1252 و صحيح البخاري، ج 3، ص 1374 و صحيح البخاري، ج 5، ص 2067

چرا خديجه و فاطمه نيامده است؟

در صحيح مسلم در كتاب فضائل الصحابه باب فضائل خديجه هم به همين صورت آمده است و ببينيد آيا در روايت اسمي از خديجه آمده است يا نيامده است؟

در اين باب که اسم آن فضائل خديجه است، اسمي از خديجه در اين روايت نيامده است.

چه پدر کشته‌گي با خديجه داشته‌اند؟

خديجه کبري چه ظلمي به اين‌ها کرده بود و چه حقي از اين‌ها ضايع کرده بود؟

اين آقايان به جاي اين‌که ششصد يا هفتصد تا سؤال طرح کردند بيابيد اين‌ها را جواب دهد.

در صحيح مسلم مي‌گويد:

عن أبي موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كَمَلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرًا وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ عِزُّ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأَسِيَّةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَهَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ.

صحيح مسلم، ج 4، ص 1886

تمام اين‌ها در باب فضائل حضرت خديجه سلام الله عليها آمده است.

آقاي شوکاني مي‌گويد: در صحيحين آمده است.

وفي الصحيحين وغيرهما من حديث أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وإله وسلم قال

كَمَلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرًا وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ.

فتح القدیر، ج 5، ص 257

از زنان تکميل نشد مگر آسیه و مريم و خديجه.

ولي ديديم که در صحيح بخاري و در صحيح مسلم خديجه بنت خويلد حذف شده است.

با اميرالمؤمنين شما عداوت داشتيد؛ چون اميرالمؤمنين سران قريش و فاميل‌ها و دوستان و

ارباب‌هاي شما را به هلاکت انداخته بود، باخديجه چه عداوتي داشتيد؟

متقي هندي در کتاب کنز العمال که کتاب معتبري نزد آقايان است که مي‌گويد:

خير نساء العالمين أربع : مريم بنت عمران ؛ وخديجة بنت خويلد ، وفاطمة بنت محمد ، وأسية امرأة

فرعون حم ، ق عن أنس.

کنز العمال، ج 12، ص 65

حم يعني: مسند احمد، ق يعني: در صحيح بخاري و صحيح مسلم.

در اول كتاب علامت اختصاري كنز العمال مي گويد:

رموزه (خ) للبخاري (م) لمسلم (ق) لهما

كنز العمال، ج1، ص15

اگر يك روايت در بخاري بود رمز (خ) دارد و اگر در مسلم باشد رمز (م) دارد و اگر در هر دو باشد رمز (ق) دارد.

ابن كثير دمشقي سلفي مي گويد: در صحيح بخاري آمده است كه: از ميان زنها به كمال نرسيد مگر مريم و خديجه و آسيه.

و مي گويد:

وفى صحيح البخارى أيضا عن أبى موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وخديجة بنت خويلد وآسية امرأة فرعون.

البدایة والنهاية، ج8، ص92

اين آقايان به ما بگويند اين چيزي كه ابن كثير دمشقي و دكتور وهبه زهيلي و افراد ديگر آورده اند كه حضرت خديجه جزء زناني است كه به كمال رسیده است و دهها نفر از صحيح بخاري نقل كردند، روي چه قضيه اي جناب بخاري و مسلم نام حضرت خديجه را حذف کرده است؟

چه عداوتي با خديجه كبري داشته اند؟

آيا مي ترسيدند كه اگر اسم خديجه بيايد به عنوان ام المؤمنين جائي براي ام المؤمنين ديگران نمي ماند يا هدف ديگري بوده است؟

اين آقايان كارشناسان مي گويند: از ما سؤال كنيد ما جواب مي دهيم و اگر نتوانيم جواب دهيم ما برنامه خود را حذف مي كنيم و اين برنامه را در اين شبكه و هابي نمي گذاريم. به اين سؤال ساده جواب بدهيد.

اين همه كتابها نقل كردند، يا بايد بگويد اينها اشتباه كردند يا بايد بگويد اينها را در صحيح بخاري و مسلم حذف كردند.

آيا عداوتي بوده يا نبوده است ما نمي دانيم.

مجري

آيا از علماء اهل سنت كسي اعتراف به افضليت حضرت خديجه كبري سلام الله عليها نسبت به عائشه کرده است يا خير؟

استاد قزويني

اين كه حضرت خديجه افضل زنهاي پيغمبر بوده است و رواياتي كه در صحيح بخاري و مسلم آمده است در حق هيچ يك از زنان، حتي عائشه ما نديده ايم كه همچنين تعبيري کرده باشد.

جناب آقاي مناوي كه از استوانه هاي علمي اهل سنت است و كتابي به نام فيض القدير دارد (كه

شرح جامع صغير جناب سيوطي است) مي‌گويد:

سيدات نساء أهل الجنة أربع مريم وفاطمة وخديجة وآسية امرأة فرعون هذا نص صريح في تفضيل خديجة على عائشة وغيرها من زوجاته لا يحتمل التأويل.

فيض القدير، ج4، ص124

سروران زنان بهشتي چهار تا هستند: مريم، فاطمه، خديجه و آسيه. اين نص صريحي است بر فضيلت حضرت خديجه بر عائشه و غير عائشه از همسران پيامبر (مثل حفصه و ام سلمه و ام حبيبه) و قابل توجيه هم نيست.

يعني هيچ كس نمي‌تواند اين قضيه را توجيه كند.

پيغمبر مي‌فرمايد: سروران زنان بهشتي اين چهار تا هستند: حضرت مريم، حضرت فاطمه، حضرت

خديجه و حضرت آسيه.

بعد مي‌گويد:

قال القرطبي : لم يثبت في حق واحدة من الأربع أنها نبيه إلا مريم.

فيض القدير، ج4، ص124

امام قرطبي گفته است: از ميان اين چهار تا فقط تنها كسي كه احتمال نبوتش مي‌رود حضرت مريم است؛ چون بعضي از اين آقايمان معتقد هستند كه حضرت مريم پيغمبر بوده است. ما نمي‌خواهيم در اين زمينه وارد شويم.

آقاي عسقلاني در فتح الباري جلد 7 صفحه 136 و آقاي شوكاني در فتح القدير جلد 3 صفحه 327

جريان نبوت مريم را نقل مي‌كند.

البته خود قرطبي در تفسير خودشان جلد 4 صفحه 83 به صراحت نسبت به قضيه نبوت حضرت مريم

صحبت مي‌كند.

مجري

در كتب اهل سنت آمده است كه پيامبر وقتي ياد حضرت خديجه مي‌افتادند خيلي متأثر مي‌شدند و اشك در چشمانشان جمع مي‌شد و ناراحت مي‌شدند و اين باعث ناراحتي عائشه مي‌شد و حسادت مي‌ورزیدند و حتي تعابير خيلي بد مي‌آوردند كه ايشان يك عجوزه و پير زني بيشتري نبوده است كه شما اين مقدار براي اشك مي‌ريزيد؟

استاد قزويني

در صحيح بخاري خود عائشه نقل مي‌كند و مي‌گويد: هاله بنت خويلد خواهر خديجه كبري يك روزي در مدينه اجازه گرفت خدمت پيغمبر بيايد:

فَعَرَفَ اسْتَيْدَانَ خَدِيجَةَ فَارْتَاعَ لِذَلِكَ فَقَالَ اللَّهُمَّ هَالَةَ قَالَتْ فَعِرْتُ فَقُلْتَ مَا تَكُرُّ مِنْ عَجُوزٍ مِنْ عَجَائِزِ

قُوشِ حَمْرٍ إِهَ الشِّدْقَيْنِ هَلَكْتَ فِي الدَّهْرِ قَدْ أَبَدَكَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا

صحیح البخاری، ج 3، ص 1389

وقتی که صدای هاله خواهر خدیجه به گوش پیغمبر رسید در ذهن نبی مکرم دوران حضرت خدیجه تداعی شد، پیغمبر حالش خیلی منقلب شد و یاد حضرت خدیجه حضرت را منقلب کرد، پیغمبر فرمود: عجب هاله آمده است و خیلی اظهار خوشحالی کرد.

عائشه می‌گوید: خیلی غیرتم به جوش آمد (من واقعاً خجالت می‌کنشم این تعبیر را بگویم نمی‌دانم که صلاح است یا صلاح نیست، حضرت ولی عصر ما را می‌بخشد یا نمی‌بخشد) خدیجه یک پیر زنی بود از پیر زنها و دندان هم نداشت و جای دندان‌هایش و قرمزی آن مشخص بود و از بین رفت خدای عالم من را که بهتر از او هستم به تو داد.

البته این آقایان دنباله روایت را نیاورده‌اند.

در صحیح مسلم هم همین تعبیر آمده است.

در بعضی از منابع آقایان اهل سنت مثل استیعاب ابن عبدالبر مفصل این قضیه مطرح شده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله از این برخورد عائشه غضبناک و ناراحت شد و فرمود: به خدا سوگند هرگز خدای عالم بهتر از خدیجه همسری به من نداده است.

عائشه می‌گوید:

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدرکتني الغيرة هل كانت إلا عجوزا فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال لا والله ما أبدلني الله خيرا منها أمنت بي إذ كفر الناس وصدقني إذ كذبني الناس وواستني في مالها إذ حرمني الناس ورزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء قالت عائشة فقلت في نفسي لا أذكرها بسيئة أبدا.

الاستيعاب، ج 4، ص 1823

هر وقت پیغمبر می‌خواست از خانه بیرون برود، خدیجه را یاد می‌کرد و از او تعریف و تمجید می‌کرد. یک روزی مثل عادت همیشگی پیغمبر یادی از حضرت خدیجه کرد و من حسادتم به جوش آمده بود و گفتم: آیا خدیجه جز پیر زن چیز دیگری هم بود؟ خدا به جای او یک زن خوبی به تو داده است. پیغمبر غضبناک شد به حدی که موهای جلوی سر حضرت از شدت غضب سیخ شد و فرمود: به خدا سوگند بهتر از خدیجه خدا همسری به من نداده است، او روزی به من ایمان آورد که تمام مردم به من کفر می‌ورزیدند و روزی مرا تصدیق کرد که مردم مرا تکذیب می‌کردند و آن روز تمام ثروتش را در اختیار من گذاشت که مردم از هرگونه معامله و مساعدت با من دریغ می‌کردند خدای عالم تنها فقط از حضرت خدیجه به من اولاد داد و از دیگر زنان خدا مرا محروم کرد.

عائشه گفت: من پیش خودم گفتم دیگر از حضرت خدیجه به بدی یاد نخواهم کرد.

البته روایات در این زمینه خیلی زیاد است؛ ولی این‌که باز در اینجا می‌بینیم ذیل حدیث را آقای

بخاری و مسلم برای محافظت از عائشه نمی‌آورند، این هم باز یک درد دیگری است.

مجری

در روایت آمده است که حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام به حضرت خدیجه غبطه

مي خوردند؟

استاد قزويني

اين را بعضي از منابع اهل سنت آورده اند که حضرت آدم علي نبينا وآله وعليه السلام يك روزي به ياد نبي مكرم صلي اله عليه وآله بود و فرمود: فرزندم رسول اکرم از من چند قدم جلوتر است.

اين روايت در کتاب عمدة القاري است که مي گويد:

قال آدم عليه السلام مما فضل الله به ابني علي أن زوجته خديجة كانت عوناً له على تبليغ أمر الله عز وجل وأن زوجتي كانت عوناً لي على المعصية.

عمدة القاري، ج 1، ص 63

حضرت آدم فرمود: يکي از نکاتي که فرزندم پيغمبر اکرم بر من برتري دارد اين است که همسر فرزندم رسول اکرم خديجه همواره کمک کار پيغمبر در تبليغ دين خدا بود؛ ولي همسر من در معصيت خدا کمک کار من بود.

من کاري به صحت و سقم و تحليل آن ندارم و اين را جناب علامه بدر الدين عيني آورده است و دوستان همديدند، البته حقيقت هم جز اين چيز ديگري نيست؛ ولي اين به صورت يک روايت آمده است.

مجري

در بعضي از مصادر نکاتي نسبت به وصيت حضرت خديجه کبري سلام الله عليها در هنگام مرگشان آمده است. اگر لطف کنيد فرازهايي از اين وصيت نامه را براي ما بيان بفرماييد.

استاد قزويني

در بعضي از منابع ديديم مثل: شجره طويي نکاتي آمده است که من خيلي فهرست وار عرض مي کنم.

ابو طالب سلام الله عليه و حضرت خديجه سلام الله عليها و ديگر بني هاشم (در صورتي که ديگر آقايمان مثل ابوبکر و عمر کنار زن و بچه شان راحت استراحت کرده بودند و به تعبير يکي از بزرگان اهل سنت) سه سال تمام در گرما و سرما در شعب ابي طالب نهايت اذيت ها را کشيدند.

حالا در آن سه سال چه گذشت که هم ابو طالب فرسوده شد و سال دهم از دنيا رفت و بلا فاصله بعد از او حضرت خديجه از دنيا رفت و تمام مصيبت هايي که بر پيغمبر اکرم روا داشتند بعد از رحلت حضرت ابو طالب بوده است.

اين آقايمان که مي گويند: بزرگ حامي پيغمبر جناب خليفه دوم بوده است، من نمي دانم آن وقتي که پيامبر را اذيت مي کردند و به او اهانت مي کردند و کثافت هاي شکمبه شتر بر سرش مي ريختند، اين آقايمان کجا بودند.

يک روايت ضعيف براي ما بياورند که پيغمبر اگر واقعاً حاميان اين طوري داشت و يک قهرماني به نام

جناب خلیفه دوم داشت، چرا از مکه فرار کرد رفت در غار ثور و از مکه به مدینه رفت؟ آنچه که مطرح است این است که وقتی حضرت خدیجه بیماری‌شان شدت یافت به نبی گرامی عرضه داشت: یا رسول الله من چند وصیت و تقاضایی دارم که اولین آن این است که من در حق تو کوتاهی کردم، مرا مشمول عفو و کرم خود قرار بده.

نبی مکرم فرمود: خدیجه من از تو تقصیری ندیده‌ام، نهایت تلاش خود را به کار برده و در خانه من خسته شدی و اموالت را در راه خدا مصرف کردی.

عرضه داشت: یا رسول الله وصیت دوم من این است که مواظب این دخترم فاطمه زهرا باشی، دخترم بعد از من یتیم و غریب است مبدا کسی از زنان قریش به او آزار برساند و مبدا کسی به صورتش سیلی بزند و مبدا کسی بر سر او فریاد برآورد و برخورد تندی با او داشته باشد.

(خیلی سخت است که یک مادری که از دنیا می‌رود و دختر کوچک شش یا هفت ساله دارد.)

اما وصیت سوم را یا رسول الله خجالت می‌کشم به شما بگویم؛ چون در عمرم چیزی از تو طلب نکردم به دخترم فاطمه می‌گویم که او به تو بیان کند.

رسول اکرم از اتاق بیرون رفت و حضرت خدیجه به حضرت زهرا فرمود: نور چشم من به بابات پیغمبر بگو مادر می‌گوید من از قبر خیلی وحشت دارم، من دوست دارم رسول گرامی پدرت در آن لباسی که وحی بر آن نازل شد همان لباس را به عنوان کفن برای من انتخاب کند و مرا در آن دفن کند تا از فشار و عذاب قبر در امان باشم.

فاطمه زهرا از اتاق بیرون آمد و به پدر گرامیش پیام مادر را رساند.

پیغمبر اکرم آن لباسی که در آن وحی شده بود به حضرت زهرا داد که به مادرش بدهد و حضرت خدیجه خیلی خوشحال شد.

وقتی که حضرت خدیجه از دنیا رفت، پیغمبر اکرم او را غسل داد و مشغول کفن کردن بود، ناگهان دید جبرئیل امین نازل شد یک کفنی از بهشت همراه دارد.

عرضه داشت: یا رسول الله خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این خدیجه تمام اموالش را در راه ما مصرف کرد، سزاوار است که کفن او را ما به عهده بگیریم.

با کفنی که جبرئیل از بهشت آورده بود، رسول اکرم خدیجه کبری را با آن کفن کرد.

من یک نکته‌ای را عرض کنم.

در آن دوران غریبی رسول اکرم بهترین یاورش را نبی مکرم که ابو طالب بود از دست داد، خدیجه را از دست داد.

مرحوم شیخ الطائفه شیخ طوسی در کتاب امالی خود نقل می‌کند و مرحوم مجلسی هم در بحار الانوار و مرحوم حائری در شجره طوبی نقل می‌کند و می‌گوید: وقتی که آقا رسول اکرم حضرت خدیجه را دفن کرد و به منزل برگشت.

در تشیع جنازه دختر کوچک شش ساله نیست وقتی آمد می‌گوید:

جعلت فاطمة (صلوات الله علیها) تلوذ برسول الله (صلی الله علیه وآله) وتدور حوله ، وتقول : یا أبة

، این أمی ؟ فنزل جبرئیل (علیه السلام) فقال له : ربك يأمرک أن تقرئ فاطمة السلام ، وتقول لها : إن أمك

في بيت من قصب ، كعابه (1) من ذهب ، وعمده ياقوت أحمر ، بين آسیة ومريم بنت عمران ، فقالت فاطمة

(عليها السلام) : إن الله هو السلام ، ومنه السلام ، وإليه السلام.

الأمامي - الشيخ الطوسي - ص 175 و بحار الأنوار - العلامة المجلسي - ج 16 ص 1 و شجرة طوبى - الشيخ

محمد مهدي الحائري - ج 2 ص 235

فاطمه زهرا اطراف پیغمبر می‌چرخید و خودش را به پدر می‌چسباند و از دست و دامن بابا می‌گرفت

و می‌گفت: ای پدر مادر من کجاست؟

پیغمبر اکرم پاسخی برای گفتن نداشت.

جبرئیل نازل شد و فرمود: یا رسول الله خدای عالم دستور داد به زهرا از طرف من سلام برسانی بگو

زهرا جان، سراغ مادرت را از پدرت می‌گیری، مادرت داخل بهشت است و در کنار حضرت مریم و حضرت آسیه

است. وقتی که سخن جبرئیل را نبی مکرم به زهرا می‌رساند، قلب زهرا می‌مرضیه آرام گرفت و بهانه

مادر نکرد.

این تصویری که در پشت سر ما وجود دارد در حقیقت این قبرستان ابو طالب است که قبر حضرت

خدیجه قبل از تسلط وهابی‌ها بر عربستان سعودی و مکه مکرمه است.

در این قبرستان قبر ابو طالب و قبر حضرت خدیجه ام المؤمنین و قبر عبدالمطلب و قبر طاهر و قبر

قاسم دو فرزند رسول اکرم است که بعد از تسلط وهابی‌ها، کل آثار اسلامی را در مکه ویران کردند و آنجا را

با خاک یکسان کردند و به صورت یک خاکستان درست کردند که قلب هر بیننده‌ای به درد می‌آورد.

مجری

حضرت خدیجه سلام الله علیها در چه سالی رحلت کردند؟

آن سالی که گویا سال حزن معروف شده است، این را توضیح بدهید.

استاد قزوینی

آقایان مخصوصاً جناب ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء می‌گوید:

خرجوا من شعب بنی هاشم قبل الهجرة بثلاث سنين فتوفي أبو طالب وقبله خديجة بشهر وخمسة

أيام وقال الحاكم ماتت بعد أبي طالب بثلاثة أيام.

سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 112

این‌ها سه سال قبل از بعثت از شعب ابي طالب بیرون آمدند و پس از این‌که از شعب ابو طالب

بیرون آمدند، ابو طالب از دنیا رفت و یک ماه و پنج روز قبل از او هم حضرت خدیجه از دنیا رفت و بعد ایشان

می‌گوید: حضرت خدیجه سه ماه بعد از حضرت ابو طالب از دنیا رفت.

یعنی دو سه ماه بعد از خروج از شعب ابي طالب که واقعاً دوران جانگدازی بود که واقعا حقیقت است

که درباره قضیه شعب ابي طالب چندین جلسه سخن گفته شود و حق مطلب اداء شود.

فداکاری‌هایی که در آنجا ابو طالب سلام الله علیه داشتند که آقایان فضیلت خدیجه را حذف کردند و

حضرت ابو طالب هم که کافر شد و در جهنم مغزش به جوش آمده است و پدر پیغمبر هم که اهل آتش

جهنم است و مادرش هم به همین صورت و این آقایان چیزی باقی نگذاشتند و مخصوصاً این‌که شب‌ها ابو

طالب سلام الله عليه دستور مي‌داد جاي پيغمبر را يك گوشه‌اي مي‌انداختند بعد از اين كه يك مقداري هوا تاريخي‌اش بيشتري مي‌شد و پاسي از شب مي‌گذشت، ابو طالب پيغمبر را مي‌آورد وسط جمعيت مي‌خواهاند و علي عليه السلام را جاي پيغمبر مي‌خواهاند كه اگر قریش اول شب از دور جاي پيغمبر را نشان رفتند كه يك دفعه نيمه شب شبیخون بزنند و تصميم بگيرند پيغمبر را بکشند به جاي پيغمبر علي كشته شود. واقعاً خيلي درد آور است و آخرين لحظاتي هم كه از دنيا مي‌رفت سفارش نبي مكرم را به آقا علي بن ابي طالب مي‌كند و مي‌فرمايد: علي جان، جعفر نيست؛ ولي از قول من به جعفر بگو جان تو و جان پيغمبر، مبادا از پيغمبر دست برداريد.

من اگر اشتباه نكنم سال 85 بود يا 86 بود كه مكه بوديم و نيمه رمضان بود و جناب آقاي بن علوي مالكي كه از مخالفين وهابي‌ها و از مجتهدين مالكي مذهب و صوفي مسلک است كه ايشان هفته دو روز در مكه درس خارج داشتند و سه روز در مدينه.

نيمه رمضان بود كه ايشان از دنيا رفت (اتفاقي شبی كه ايشان رحلت كرد ما منزلشان بوديم و با تعدادي از علما به منزلشان رفته بوديم) براي تشييع جنازه اعلام كردند و رفقای اهل علم همه آمده بودند و ما هم رفته بوديم، خود جناب بن علوي مالكي را نزديك قبر حضرت خديجه كه در قسمت شرقي با تقريباً 25 قدم فاصله دفن كردند و شايد جمعيت به قدری ريخته بود كه بالای 30 هزار جمعيت بود كه مي‌گفتند: شايد در طول 200 سال گذشته همچين تشييع جنازه در عربستان صورت نگرفته است.

مأمور هم تا دلتان بخواهد ريخته بود؛ ولي خوب قبرستان باز بود و آن‌هايي كه مكه مشرف شده‌اند به كسي اجازه نمي‌دهند كه وارد قبرستان ابو طالب شود.

حدود 400 متر جلوتر آهن كشيده كه مردم از پشت آن‌ها مي‌بينند؛ ولي ما آن شب رفتيم داخل قبرستان ابو طالب و من كه وارد شدم فقط سعي داشتم بينم كه قبر حضرت خديجه كجا است. ما سريع از ديوار كه حدود 120 سانتی متر بود پريدیم و من حدود 20 دقيقه روي قبر حضرت خديجه مشغول زيارت بودم.

يكي از بهترين و با لذت‌ترين و با صفات‌ترين لحظات عمرم آن لحظه بود كه روي قبر حضرت خديجه انگشتانمان را داخل خاک كرده بوديم و خاک خيلي نرمي هم بود.

احساس مي‌كردم بوي حضرت بوي حضرت فاطمه زهرا از اين قبر به مشام مي‌رسد.

واقعاً شيعه و سني خودشان را از گريه هلاک مي‌كردند و بحث شيعه و سني هم نبوده است و جمعيتي كه در آنجا بودند و آن‌هايي كه اطراف قبر بودند و آن‌هايي كه روي قبر نشسته بودند از شدت گريه انسان احساس مي‌كرد كه روز عاشورا است و اين قدر ضجه مي‌زدند.

من ديدم اين آقاها اهل سنت از اين خاک قبر به عنوان تبرک بر مي‌دارند و من هم مقداري كمي را در دستمالي ريختم و اين را به عنوان تبرک نگه داشتم.

بيننده علي آقا از آلمان

ما در آلمان از برنامه‌هاي خوبتان بسيار استفاده مي‌بريم.

جديداً از طريق اينترنت نمي‌شود برنامه‌ها را دانلود كرد و از ديروز تا به حال اين مشكل حل شده است؛ ولي برنامه‌هاي جديد روي اينترنت گذاشته نشده است.

چون ما هر روز برنامه‌ها را دانلود مي‌کنيم چون سر کار هستيم و نمي‌توانيم از طريق ماهواره ببينيم.

استاد قزويني

از کدام شهر آلمان زنگ مي‌زنيد؟

بيننده

ما فرانکفورت هستيم.

استاد قزويني

يك مقداري مشكل در خود اينترنت ايران بود و يك مقداري از مشكلات هم مربوط به سايت ما بود.

ما اين مشكلات را حل كرديم.

وقتي www.velaiattv.com به مشكل برخورد از سايت www.velaiattv.info استفاده كنند.

الان ما تقريباً دو سه تا پايگاه درست كرديم و مشكلاتي است كه آقايمان مي‌دانند كه وضع اينترنت در

دنيا چگونه است مخصوصاً در ايران كه ما اين همه مشكل داريم.

بيننده

اگر علاوه بر برنامه حبل المتين اين برنامه‌هاي جديد مثل كلمه طيبه و سراب و هابيت را كه نشان

مي‌دهيد روي اينترنت بگذاريد خيلي ممنون مي‌شويم.

بيننده آقاي رضائي از اصفهان (اهل سنت)

وقتي كه پيامبر گفت: قلم و دوات بياوريد كه چيزي بنويسم كه هرگز بعد از من گمراه نشويد وقتي

حاضرين كه حضرت علي هم از جمله از آنها بود، به حرف پيامبر گوش نكردند، چرا پيامبر چيزي را كه

مي‌خواست بنويسد به صورت شفاهي به آن جمع نكفت؟

ثروت حضرت خديجه در آن زمان چقدر بوده است و از آن ثروت هم به حضرت فاطمه چيزي رسیده

است يا نه؟

آقاي قزويني قول داده بودند كه مستند با حضور خودشان درباره مختار نامه در شبكه ولايت پخش

كنند كه تا امروز اين كار را نكردند.

لطفاً اگر مقدور است اين مستند را پخش كنيد.

بيننده آقاي اكبري از بم

ارتحال ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به حضرت عالی و جناب آقای قزوینی تسلیت عرض می‌کنم.

من صد هزار تومان هزینه کردم در این شبکه حرمه متأسفانه بارها پشت خط مانده‌ایم و هر کاری که کردیم این شیادها اجازه ندادند روی خط بیایم.

یکی دو سؤال من قبلاً داشتم و گفتم: اگر جواب من را بدهید من وهابی می‌شوم ولی این‌ها جواب من را ندادند.

سؤالم درباره اجتهاد ابن ملجم بود.

فرض کنید من سنی هستم (خیلی عذر می‌خواهم من قصد جسارت ندارم) به عنوان یک سنی حضرت علی را بلا تشبیه می‌گوییم خلیفه نبوده است و در حد یک صحابی ما قبولش داریم.

شما را به خدا قسم می‌دهم که فکر کنید و خدا را شاهد می‌گیرم مرگ از رگ گردن به شما نزدیک‌تر است.

به حرف من که از بم تماس می‌گیرم فکر کنید من که پدر و مادر و خواهر و برادرم را از دست داده‌ام فکر کنید.

در حد یک صحابی و کسی که سخنان نهج البلاغه را فرموده است که همه از این کتاب و از این سخنان تجلیل کرده‌اند و از این کتاب استدلال می‌کنند، آیا ظلم نیست که 200 حدیث در کتب شما وجود ندارد؟

در صورتی که از ابو هریره بالغ بر 5 هزار حدیث وجود دارد.

ابو هریره کی اسلام آورد؟

من خواهش می‌کنم از شما حاج آقا که ترجمه کتاب صحیح مسلم و بخاری را در اختیار این جوان‌ها قرار بدهید.

مگر ام کلثوم به عائشه نزدیک نیست، چند روایت از ام کلثوم بیاورید که درباره پدرش یا برادرش گفته باشد.

کار این‌ها به جایی رسیده است که دکتر حسین کرد که اخیراً داخل شبکه این‌ها آمده است آورده‌اند در برنامه خودشان که این شخص با داماد خودم در چریک‌های فدائی خلق بوده است و کمونیست بوده است.

داماد در سال 68 توبه کرد.

شما سؤال کنید که این شخص آیا کمونیست بوده است یا نه؟

کار شما به جایی رسیده است که از کمونیست‌ها استفاده می‌کنید.

آقای سجودی همیشه فریاد می‌زند که من گیلکی هستم.

خیلی از برادران افغانی ما در این استان‌ها ساکن شدند.

پنج شنبه قبل از ماه مبارک رمضان این آقا گفت: شما بدون این‌که بدانید من ولد کی هستم، این کلمه ولد را افغانی‌ها استفاده می‌کنند و اگر کلیش را هم خواستید من تقدیم می‌کنم.

این ملک عبد الله ملعون اگر بخواهد از آمریکا که فلان کار را انجام بده همان طوری که عبد الله اوجلان را 4 ساعته تو گونی کردند و تحویل ترکیه دادند آیا شیطان یاری را نمی‌توانند بدهند؟

من این شبکه‌ها را رصد می‌کنم، چرا به اندازه که از حاج آقا قزوینی آن اتهامات و آن حرف‌ها که نثار من باشد نه حاج آقای قزوینی به این شیطان یاری یک اشاره نمی‌کنید؟
خدا شاهد است که خط شما یکی است.

استاد قزوینی

آن آقای که نام برده است از قزوین خودش اعتراف می‌کند: که من خودم خر بودم و از همه خرت‌تر من بودم.
آقای اکبری این خیلی برای‌تان کوچک است و باید برود هم وزن خودش را پیدا کند و با او مناظره کند و عددی نیستند که شما خودتان را کوچک کنید و بگوئید که مناظره می‌کنم.
از کوزه همان تراود که در اوست و خلائق هرچه لائق.
این آقایان فقط بلد هستند فحش بدهند و اهانت کنند و به یکدیگر به به و چه بگویند.
اگر واقعا راست می‌گویند: این همه از عزیزان ما که (این‌ها را ما از این شبکه شناختیم مثل آقای زارعی و آقای شریفی و خانم صفائی و دیگر دوستان) تماس می‌گیرند جواب این‌ها را بدهند.
حتی این‌ها توانایی این را ندارند که 2 دقیقه این بیایند و در آنجا حرف بزنند و وحشت دارند و هیچ دلیلی بر بطلان این‌ها نباشد این بهترین دلیل است.
ما که بچه طلبه هستیم؛ ولی از امثال آقای شریفی که حوزه ندیده‌اند و دانشگاه ندیده است، فرار می‌کنند و وحشت می‌کنند و تحمل و توانایی پاسخگویی ندارند.
آن آقا می‌گوید: علمای اهل سنت چرا از مناظره فرار می‌کنید.
جک قرن 21 را هم این آقا دارد می‌گوید.

مجری

ما باید خدا را شاکر باشیم که همچنین شبکه‌هایی در این عصر به وجود آمده‌اند.

استاد قزوینی

این‌ها واقعاً از الطاف خفیه الهی است.
چند روز قبل که سایت ما به مشکل برخورد، هزاران نفر از داخل و خارج تلفن زدند و ایمیل فرستادند حتی بعضی‌ها دسترسی به ما نداشتند مثل خانمی که از استرالیا زنگ زده بود به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آن‌ها تلفن بنده را داده بودند.
من دیدم یک خانمی پشت خط خیلی اظهار لطف و محبت می‌کند (در استرالیا ما آنتن نداریم و دوستان از طریق اینترنت برنامه‌ها را پیگیری می‌کنند) می‌گفت: این شبکه کلمه را ما چند بار دیدیم خیلی در ذهن ما اثر منفی گذاشت و شبکه شما را دیدیم که آن ذهنیت‌های غلط و فاسدی که آن‌ها درست کرده بودند و آن القائات شیطانی برطرف شد.

عشق ما به اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً این دعای توسل زیاد شد و این شبکه انقلابی در ما ایجاد کرده است.

الان دو سه روزی است که اینترنت نداریم ما احساس می‌کنیم چیزی گم کرده‌ایم. من همان جا گفتم که شما پشت کامپیوتر هستید؟
گفت: بله.

گفتم بنویسید: www.velaiattv.info

نوشت و گفت درست شد حاج آقا.

به قدری این بنده خدا خوشحال بود و نگران خودشان و بچه‌هایشان هستند که این خواهرمان خیلی اصرار داشتند که برای آقا زاده‌شان دعا کنیم.

می‌گفت: بعضاً این‌ها با بعضی از دخترانی که دین ندارند یا مخالف اسلام هستند، می‌خواهند با آن‌ها تشکیل زندگی بدهند.
ما خیلی نگران هستیم.

خدا را قسم می‌دهیم به آبروی خدیجه کبری سلام الله علیها همه عزیزان ما چه در داخل و چه در خارج کشور جمهوری اسلامی و بچه شیعه‌ها در هر کجا که هستند بر ایمان و تقوای این‌ها بیفزاید و بین این‌ها و بین محمد و آل محمد جدایی میندازد و زندگی با صفا و اگر دختر هستند شوهر متدین و مسلمان و اگر پسر هستند همسر متدین و با صفا و مسلمان و شیعه به این‌ها عنایت بفرماید و زندگی این‌ها را هر روز خوش‌تر از روز قبل و با صفاتر از گذشته قرار بدهد، ان شاء الله.

دوستان مثل آقای رضائی را ما بارها جواب دادیم اینجا و ایشان به آرشیو نگاه کنند.

در رابطه با قضیه مختار هم بنده عرض کردم: ما این حریت را داریم و برایمان فرقی نمی‌کند که نقاط ضعف سریال مختار را هم ما داریم و نقاط قوتش را هم داریم؛ ولی همین اندازه که این‌ها سال گذشته خواستند در مقابل با سریال مختار سریال معاویه حسن و حسین یا سبطين را که شاید تمام این سریال را جمع می‌کردند و در یک کفه می‌گذاشتند و 10 دقیقه سریال مختار را در یک کفه می‌گذاشتند، این 10 دقیقه سریال مختار از تمام این سریال جذاب‌تر بود.

امسال هم این آقایان که خودشان اعلام کردند که ما 20 میلیون دلار هزینه کردیم برای سریال عمر بن الخطاب البته بعضی از جاها دارد که 100 میلیون دلار هزینه کردند؛ ولی این‌که ما داریم می‌بینیم اصلاً آنچنان هم بازیگرانش بازیگران حرفه‌ای متناسب با مسائل مذهبی نیستند.
منظره‌هایش یک سری منظره‌های دل‌گیر که وقتی نگاه می‌کنیم گویا تمام غصه سراسر وجود آدم را می‌گیرد.

یک ربع سریال مختار به تمام این سریال‌هایشان می‌ارزد.

این‌ها معمولاً تلاش می‌کنند که این بازیگران فقط حرف بزنند و بقدری با یکدیگر حرف می‌زنند که حقیقت در وسط گم می‌شود.

به نظر من در این سریال که خواستند خلیفه دوم را به عنوان یک قهرمان و یک الگو نشان بدهند (من خیلی بی‌پرده بگویم و از آقایان اهل سنت عذر می‌خواهم) تا الان که هرچه نشان داده‌اند از سیمای عمر بن الخطاب غالباً توهین بوده و اهانت کردند.

شب گذشته در رابطه با اسلام آوردنش که وقتی ما می‌گفتیم مردم می‌گفتند: این‌ها با قصد و غرض قضا یا را نقل می‌کنند؛ ولی در این سریال که جناب عمر عصبانی می‌شود و شمشیر می‌گیرد به دستش و می‌گوید: من باید پیغمبر را بکشم و استخوان و گوشتش را به هم قاطی کنم. می‌رود خانه خواهرش و شوهر خواهرش را می‌زند داغون می‌کند و به دهن خواهرش می‌زند و خون مالی می‌کند.

نمی‌دانم این‌ها دنبال چه هستند؟

آقایان اهل سنت این وهابی‌ها از یک طرف دنبال این هستند که مردم را از پیغمبر و اهل بیت جدا کنند و با این سریال‌ها (من دوستانه می‌گویم) می‌خواهند جامعه را به خلیفه دوم بد بین کنند و تا الان این طوری بوده است.

البته یک شایعه وجود دارد که اختلافی که میان عربستان و قطر ایجاد شده است، قطر با این کارش دنبال ایجاد اختلاف در میان علمای عربستان سعودی است؛ چون بسیاری از عربستان سعودی پخش این سریال را حرام دانسته‌اند حتی خود مفتی اعظم آل شیخ فتوا بر حرمتش داده است و الازهر فتوا بر حرمت پخش داده است و حدود 60 نفر از علما و شخصیت‌های برجسته اهل سنت و وهابی‌ها فتوا بر حرمت پخشش داده‌اند.

بینیم از این قهرمانی که درست کرده‌اند قهرمان واقعی می‌خواهند تحویل دهند یا قهرمان پنبه‌ای می‌خواهند تحویل دهند.

به اهل بیت مردم را بد بین کردند و به پیغمبر و قرآن و اسلام بد بین کردند.

این عبارت ابن تیمیه را ما بارها گفته‌ایم که می‌گوید: اکثر صحابه و همه تابعین این‌ها بغض علی بن ابی طالب را دل داشتند و سب علی را شعار خودشان قرار داده بودند. این‌ها دنبال چه قضایایی هستند ما متوجه نشده‌ایم.

من از آقایان اهل سنت می‌خواهم یک مقداری آگاه و بیدار باشند و فریب وهابیت را نخورند؛ چون این‌ها دنبال این هستند که بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند و بین خود سنی‌ها و میان اشعری و معتزلی اختلاف بیندازند و بین معتزلی و ماتریدیه اختلاف بیندازند و بین مالکی و حنفی و حنبلی و شافعی اختلاف بیندازند.

دشمنان از دور شاد هستند.

الان همان طوری که در نامه سرگشاده حضرت آیت الله مکارم شیرازی که امروز خودشان در درس تفسیرشان در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها قرائت کردند، سابقه نداشت در هیچ عصری مسلمان کشتی به دست مسلمان مثل عصر حاضر رایج شده باشد.

الان در سوریه مسلمان‌ها به دست مسلمان‌ها کشته می‌شوند و در بحرین همین طور و در لیبی و مصر همین بود و در عربستان به همین شکل است.

این وهابی‌ها برای کشته شدن مسلمان‌ها به دست مسلمان‌ها واسطه شده‌اند.

همه آگاه باشید با ظلم و ظالم در هر لباسی که باشد، چه لباس شیعه و چه لباس سنی و چه لباس علوی برای ما فرقی نمی‌کند ظلم ظلم است و محکوم است؛ ولی آیا در کشور سوریه باید وهابی‌ها دست به دست یهودی‌ها و مسیحی‌ها بدهند و برای مردم سوریه سرنوشت معین کنند یا خود مردم سوریه

خودشان باید سرنوشتشان را معین کنند.

در بحرین اگر واقعاً راست می‌گویید انتخابات برگزار کنید و ببینید مردم چه می‌خواهند.

در عربستان سعودی انتخابات برگزار کنید و در سوریه انتخابات بگذارید و ببینید چه کسی مخالف

انتخابات است؟

ببیند شما رسوا می‌شوید یا نه؟

پایان.